

تأثیر تفاوت های دفتری مالیات بر ریسک شرکت با توجه به نقش تعدیل کننده سهامداران نهادی

احسان قدردان^۱، اکبر حسینی سرچشمه (نویسنده مسئول)^۲

^۱ مربی گروه حسابداری دانشگاه فنی و حرفه ای، تهران، ایران

e.gh.tvu@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

akbarhoseini6226026@gmail.com

چکیده

مالیات از قویترین ابزارهای اقتصادی و اصلی ترین عنصر گرداننده اقتصاد کشورها و ابزار تأمین مالی هزینه های آنها و در مواردی از اهرم های حکومتی و سیاسی است. در این راستا دولت به عنوان یکی از ذینفعان کلیدی شرکت ها برای تشخیص مالیات، بر اظهارنامه مالیاتی مؤدیان تکیه می کند. به رغم اتکای دولت بر اظهارنامه های مؤدیان، اغلب مالیات ابراز شده با مالیات تشخیصی یکسان نیست و اختلافی بین دو مبلغ وجود دارد که اصطلاحاً به آن شکاف مالیاتی گفته می شود. اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی و مالیاتی موجب بوجود آمدن این تفاوت در بین مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی می شود لذا هدف این پژوهش بررسی تأثیر تفاوت های دفتری مالیات بر ریسک شرکت با توجه به نقش تعدیل کننده سهامداران نهادی است. به منظور دستیابی به این هدف، دو فرضیه تدوین شد. جهت آزمون فرضیه ها با استفاده از روش حذف سیستماتیک؛ نمونه ای متشکل از ۱۴۷ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ انتخاب گردید و مدل رگرسیونی مبتنی بر داده های ترکیبی به روش داده های تابلویی به کار برده شد و و همچنین نرم افزار ایویوز ۱۰ برای تحلیل آماری استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که تفاوت های دفتری مالیات بر ریسک شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین سهامداران نهادی، تأثیر تفاوت های دفتری مالیات، بر ریسک شرکت را کاهش می دهند.

واژه های کلیدی: ریسک شرکت، تفاوت های دفتری مالیات، سهامداران نهادی.

۱. مقدمه

پیچیدگی روزافزون محیط‌های تجاری، تغییر و تشدید رقابت بین شرکت‌ها؛ تفکیک مالکیت از کنترل، افزایش مهارت و منفعت‌طلبی مدیران و ... از جمله عواملی هستند که سبب ایجاد شکاف اطلاعاتی در بازار و همچنین عدم اطمینان در محیط‌های تجاری شده‌اند. در چنین شرایطی مفهوم ریسک با فعالیت‌های شرکت‌ها پیوند خورده است. به همین جهت ارزیابی آن در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران از جایگاه بااهمیتی برخوردار است. جایگاهی که باعث شده است تا بررسی عوامل تعدیل‌کننده ریسک، از مباحث جذاب ادبیات مالی و حسابداری به شمار رود. بر این اساس، مفاهیمی مانند مدیریت ریسک، راهبری ریسک و کمیته ریسک در پوشش ساختارهایی از جمله راهبری شرکتی به ابزارهایی جهت تعدیل ریسک شرکت‌ها تبدیل شده‌اند (کاظمی‌منش و دستگیر، ۱۳۹۹). مفهوم ریسک در ادبیات بازار سرمایه، بر پایه درک و تنظیم ریسک بنا نهاده شده است. بنابراین، اگر بتوانیم ماهیت ریسک‌های سرمایه‌گذاری را درک کنیم؛ بر آگاهی نسبت به مسائل مربوط به ریسک افزوده‌ایم. ضمن آن‌که باید توجه داشت، ریسک؛ بخش جدایی‌ناپذیر سرمایه‌گذاری است. در کنار هر منفعتی همواره محدودیت یا مخاطره‌ای رخ می‌نماید و حداکثر نمودن مطلوبیت، متناسب با سطحی قابل قبول از ریسک، دغدغه همیشگی بشر در انجام هر فعالیتی بوده است و اکنون در عصر رقابت شدید سازمان‌ها، عواملی همچون رواج تکنولوژی‌های نو و پیشرفته، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه‌های نوین عرضه کالاها و خدمات، سرعت تغییرات محیطی موجب شده تا سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در دوران حیات خود با ریسک‌های متعدد و خطرات زیاد و حتی پیش‌بینی نشده‌ای مواجه شوند (سعادت‌جوی‌اوردکلو و رحیمی، ۱۳۹۳).

به دلیل نقش خاص مالیات و تاثیر بدیهی آن بر جوامع و دولت‌ها، موضوع مالیات و قوانین و سازوکارهای مربوط به آن از دیرباز مود توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته و امروزه نیز با ظهور مفاهیمی چون مودم سالاری، دموکراسی و پاسخگویی؛ رنگ و بوی ویژه‌ای به خود گرفته است. مالیات یکی از متغیرهای مهمی است که دولت‌ها به وسیله آن در متغیرهای کلان اقتصادی، از قبیل رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و تخصیص منابع اثر می‌گذارد. مالیات قسمتی از درآمد و دارایی مردم است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت از افراد و بنگاه‌ها وصول می‌گردد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳). یکی از مسائل پیچیده در مبحث مالیات و گزارشگری مالیاتی این است که اصولاً سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق با قوانین مالیاتی متفاوت است. به دلیل وجود اختلاف بین استانداردهای حسابداری و قوانین و مقررات مالیاتی و عدم پذیرش مالیات اعلام شده از سوی مقامات مالیاتی مبلغ سود قبل از مالیات (سود حسابداری) از مبلغ درآمد مشمول مالیات (سود مالیاتی) متفاوت می‌باشد (پورغلامی‌سروندانی، ۱۳۹۶).

منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالکان عمده نهایی سهام آن شرکت است. صرف‌نظر از چارچوب قانونی، ساختار مالکیت شرکت‌ها نیز می‌تواند ایجاد و توسعه مدل حاکمیت شرکتی را تحت تاثیر قرار دهد در واقع ساختار مالکیت شرکت‌ها یکی از مهمترین سازوکارهای داخلی حاکمیت شرکتی است و سهامداران می‌توانند با توجه به میزان مالکیت خود بر کار مدیران نظارت و کنترل داشته و موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش ارزش شرکت شوند (جنسن^۱، ۱۹۸۶). مالکیت یک شرکت می‌تواند بسیاری از تصمیمات و اقدامات مدیران را تحت تاثیر قرار دهد. مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده در بسیاری از تصمیمات شرکت‌ها هستند. شواهد پژوهش‌های اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در حال تبدیل شدن به ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. گرچه وابستگی بین مکانیزم راهبری شرکتی و تفاوت‌های مالیات دفتري، متضمن مطالعات بیشتر است (آرمسترانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۲)، اما به نظر می‌رسد بیشترین اقدامات مدیران شرکت‌ها در خصوص مدیریت مالیات و بروز رفتارهای جسورانه مالیاتی با هدف کاستن از هزینه‌های مالیات و افزایش سود سهامداران در شرکت‌هایی روی دهد که از مالکیت غیرنهادی و خصوصی متشکل از سهامداران حقیقی

^۱. Jensen

^۲. Armestrang et al

برخوردارند. در این شرکت‌ها سهامداران و مدیران انگیزه لازم جهت فرار، اجتناب و به تعویق انداختن مالیات‌ها را با هدف کسب سود و منفعت بیشتر دارند (اسعدی، ۱۳۹۸).

با توجه به اهمیت مطالب فوق و با توجه به خلاء پژوهشی در زمینه تاثیر تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت با توجه به نقش تعدیل کننده سهامداران نهادی در ایران، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. از آن‌جا که در سال‌های اخیر توجه به موضوع مالیات دفتری فزونی یافته است، در نتیجه، شواهد این پژوهش می‌تواند دیدگاه جدیدی برای سازمان امور مالیاتی فراهم آورد که اقدامات لازم در خصوص ریشه یابی موانع و مشکلات موجود در زمینه تشخیص و در نهایت وصول مالیات منصفانه در این بخش صورت گیرد. همچنین امروزه، ریسک و دقت در برآورد ریسک و در پی آن، مدیریت ریسک جهت کاهش آن، دغدغه بسیاری از مدیران و سرمایه‌گذاران است و از آن‌جا که اشتباه در برآورد ریسک موجب زیان‌های فاجعه‌آمیزی می‌شود، بنابراین انجام چنین پژوهشی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۱.۲. بیان مسئله

تصمیم‌های مالی باید بر اساس ریسک و بازده انجام شود. یعنی در یک سطح مشخص بازده، کمترین ریسک و در یک سطح مشخص ریسک، بیشترین بازده را نصیب سرمایه‌گذار کنند (مارکوویتز، ۱۹۵۹). ریسک، بخشی جدایی‌ناپذیر از تمامی فعالیت‌های تجاری است و مدیریت اثربخش آن، نه تنها در رابطه با پیشگیری از مشکلات مالی و انجام بودجه‌بندی سرمایه‌ای به شرکت کمک می‌کند، بلکه فرآیند تصمیم‌گیری را نیز بهبود می‌بخشد. در واقع یکی از اصلی‌ترین وظایف مدیریت، سروکار داشتن با ریسک شرکت است. (ملکیان و شایسته-مند، ۱۳۹۴). ریسک‌پذیری، نقش بسیار بااهمیتی در حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها دارد و می‌تواند آنها را به سمت رشد اقتصادی بالاتر رهنمون سازد. شرکت‌ها در محیط رقابتی، استراتژی‌های مختلفی را دنبال می‌کنند تا از این طریق سهم خود را در بازار افزایش داده و موانعی را برای ورود دیگران ایجاد نمایند. انتخاب هر استراتژی، مستلزم پذیرش سطح متفاوتی از ریسک است و به‌گونه‌ای متفاوت بر ریسک شرکت تاثیر می‌گذارد. در حالی که انتخاب برخی استراتژی‌های تجاری، به دلیل افزایش سهم شرکت در بازار، آسیب‌پذیری شرکت در مقابل نوسانات کلان اقتصادی را کاهش داده و می‌توانند منجر به کاهش ریسک سامان‌مند (ریسک بازار) شرکت گردند، از سوی دیگر قادر به افزایش ریسک اختصاصی شرکت نیز هستند (نگون، ۴، ۲۰۱۱). در ادبیات مالی و حسابداری، ریسک‌پذیری شرکت به‌عنوان ابهامات مرتبط با بازده و جریان نقدی مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری تعریف می‌شود (رایت و همکاران، ۵، ۱۹۹۶). یکی از عواملی که بر ریسک شرکت تاثیر می‌گذارد تفاوت‌های دفتری مالیات می‌باشد.

مالیات از قویترین ابزارهای اقتصادی و اصلی‌ترین عنصر گرداننده اقتصاد کشورها و ابزار تأمین مالی هزینه‌های آنها و در مواردی از اهرم‌های حکومتی و سیاسی است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۸). مالیات ابزاری است که دولت به کمک آن در متغیرهای اقتصاد کلان مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری، تخصیص منابع و برقراری عدالت اقتصادی تاثیر می‌گذارد. مالیات بر درآمد شرکت‌ها نیز بخش اعظمی از درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. در اغلب کشورها بویژه کشورهای توسعه یافته، مالیات عمده‌ترین منبع مالی دولت است در حالی که در کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف در ساختارها و قوانین و کارا نبودن نظام مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از کل درآمد دولت است. ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه فاقد نظام مالیاتی کارا و شفاف بوده و عموماً میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده و اغلب با میزان مالیات واقعی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. طبق قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰، اخذ مالیات در ایران فرآیندی است که ابراز مالیات توسط مؤدی (از طریق اظهارنامه مالیاتی) آغاز شده و پس از طی مراحل قانونی تعیین شده با وصول مالیات خاتمه می‌یابد. بخش عمده مؤدیان مالیاتی دولت اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) هستند. در این راستا دولت به عنوان یکی از ذینفعان کلیدی شرکت‌ها برای تشخیص مالیات، بر اظهارنامه مالیاتی مؤدیان تکیه می‌کند. به رغم اتکای

۳. Markowitz

۴. Nguyen

۵. Wright et al

دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، اغلب مالیات ابراز شده با مالیات تشخیصی یکسان نیست و اختلافی بین دو مبلغ وجود دارد که اصطلاحاً به آن شکاف مالیاتی گفته می‌شود. اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی و مالیاتی موجب بوجود آمدن این تفاوت در بین مالیات ابرازی (بر مبنای سود حسابداری) و مالیات تشخیصی (بر مبنای سود مأخذ محاسبه مالیات) می‌شود (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).

تفاوت‌های دفتری مالیات یک فعالیت پر ریسک است، با این استدلال که شرکت‌هایی که کاهش پرداخت مالیات دارند با در نظر گرفتن موقعیت احتمالی در آینده که مالیات آنان پذیرفته نشود و در نتیجه، به علاوه بازپرداخت صرفه جویی مالیاتی که داشته‌اند بایستی مجازات مالیاتی بالقوه را نیز متحمل شوند. اگرچه فعالیت‌هایی که کاهش پرداخت مالیات شرکت را ممکن می‌سازند یک ارزش مورد انتظار مثبت، برای شرکت ایجاد کنند این احتمال را نیز به وجود می‌آورند که موقعیت‌های مالیاتی شرکت را به چالش بکشند و مالیات شرکت را رد کنند و این یک موضع مالیاتی پر ریسک است (بیگدلی، ۱۳۹۴). به عبارتی تفاوت‌های دفتری مالیات بزرگ‌تر می‌تواند ریسک کل شرکت را از طریق نشانه‌هایی از ریسک شهرت به دنبال احتمال به چالش کشیدن شرکت توسط مقامات مالیاتی و اتکای شدید به سرمایه‌گذاری‌های مشمول مالیات افزایش دهد (گوئتر و همکاران، ۲۰۱۷، ۶). بنابراین انتظار می‌رود تفاوت‌های دفتری مالیات، ریسک شرکت را افزایش دهد.

ترکیب سهامداری یا ساختار مالکیت، یکی از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی است که می‌تواند در کارایی هر شرکتی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. زیرا انگیزه مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به تئوری نمایندگی، ساختار مالکیت به-عنوان بخشی از حاکمیت شرکتی، نتیجه تلاش‌ها برای به حداقل رساندن هزینه‌های مرتبط با تفکیک کنترل و مالکیت شرکت می‌باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین به ترکیب و اجزای تشکیل دهنده سهامداران (اعم از حقیقی و حقوقی) ساختار مالکیت گفته می‌شود که در اداره شرکت سهیم هستند، که می‌تواند به اشکال مختلف نمایان شود که شامل: مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت، مالکیت متمرکز، نهادی، مدیریتی و ... که توزیع حقوق و مسئولیت‌ها بین شرکای مختلف شرکت مثل هیات مدیره، مدیران، سهامداران و سایر ذینفعان را مشخص می‌کند و از قوانین و رویه‌ها برای تصمیم‌گیری در امور شرکت استفاده می‌کنند، با انجام این کار ساختاری را فراهم می‌آورد که از طریق آن اهداف شرکت و ابزار رسیدن به آن اهداف و نظارت بر عملکرد تدوین می‌شود (دارابی و امام‌جمعه، ۱۳۹۳). سهامداران نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیرومند را بازنمایی می‌کنند؛ زیرا می‌توانند با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت‌ها نفوذی چشمگیر بر مدیریت داشته و منافع مدیریت را در جهت منافع سهامداران هم‌جهت نمایند. امروزه نقش سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان واسطه انتقال وجوه و پس‌اندازها به بازار سرمایه و مدیریت منابع در بازارهای مالی روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد (فخاری و همکاران، ۱۳۹۳). اثرات تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک، سیگنال‌هایی را در مورد ترجیح مدیریت نسبت به فعالیت‌های مرتبط با ریسک که با هزینه سهامداران انجام می‌شود، ارائه می‌کند. طبق تئوری نمایندگی، مدیران بدون توجه به منابع شرکت و افشای اطلاعات مربوط به ریسک، فعالیت‌های رانت جویانه را دنبال می‌کنند (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶، ۷). از این رو، مکانیزم‌های حکمرانی برای تعدیل اثرات زیانبار چنین اعمالی در حال اجرا هستند.

سهامداران نهادی در نظارت شرکت‌ها بر حقوق صاحبان سهام نگهداری شده توسط آنها نقش کلیدی دارند. مالکان (سهامداران) شرکت، حقوق متفاوتی دارند، از جمله این حقوق انتخاب هیئت مدیره است که به عنوان نماینده برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، سهامداران نهادی در انتقال اطلاعات به سایر سهامداران نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. آنها می‌توانند اطلاعات خصوصی را از مدیریت کسب کنند و اطلاعات را به دیگران انتقال دهند (نجار و تیلور، ۲۰۰۸). بنابراین مدیران باید به دنبال اجرای سیاست‌های مدیریتی باشند که موجب افزایش رفاه و ثروت ذینفعان شوند؛ اما مدیران پی برده‌اند که رسیدن به این هدف با وجود عدم اطمینان‌های آتی، به ویژه در حضور ریسک دشوار است. عواملی چون تورم، نوسان‌های نرخ ارز، تغییرات قدرت خرید مصرف‌کننده و نوسان‌های نرخ بهره قابل پیش‌بینی نیستند. در چنین شرایطی مدیران باید سیاست‌های مناسبی به کار گیرند تا عملکرد شرکت را در سطح مطلوبی حفظ کنند. یکی از سیاست‌هایی که به طور بالقوه برای مبارزه با چنین شرایطی استفاده شده، سازوکارهای راهبردی شرکتی

مانند مالکیت نهادی است. شلیفر و ویشنی^۹ (۱۹۹۷)، بیان کردند، از آنجا که سهامداران نهادی بخش بزرگی از سهام شرکت را در اختیار دارند، برای نظارت بر عملکرد شرکت انگیزه بیشتری می‌یابند؛ زیرا این نظارت برای آنها مزایای زیادی ایجاد می‌کند و نیز از آنجا که آنها حق رأی بیشتری دارند، انجام اقدامات اصلاحی در صورت لزوم، برای آنها آسان‌تر است. مطابق با فرضیه نظارت فعال، سهامداران نهادی، به احتمال بیشتری با طرح‌های پیشنهادی مدیران که به نظر می‌رسد به منافع مالکان صدمه می‌زند، مخالفت می‌کنند. سهامداران نهادی دارای توان بالقوه تأثیرگذاری بر فعالیتهای مدیران به طور مستقیم از طریق مالکیت و به طور غیرمستقیم از طریق مبادله سهام خود می‌باشند و تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم سهامداران نهادی می‌تواند مانع از فعالیتهای پر ریسک مدیریت گردد (خوشبخت، ۱۳۹۵؛ عبدالوهاب و همکاران ۱۰، ۲۰۲۲). لذا انتظار می‌ورد سهامداران نهادی، تأثیر تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت را کاهش دهند. لذا با توجه به مطالب فوق سوال اصلی پژوهش این است که تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت چه تاثیری دارد؟ همچنین سهامداران نهادی، بر اثرگذاری تفاوت‌های دفتری مالیات، بر ریسک شرکت چه تاثیری دارند؟

۳. پیشینه پژوهش

۱.۳. پژوهش‌های خارجی

عبدالوهاب و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۲)، پژوهشی را با عنوان «تفاوت‌های دفتری مالیات و ریسک، آیا فعالیت سهامداران اهمیت دارد؟» با استفاده از اطلاعات ۱,۴۳۵ مشاهده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مالزی طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۷ به روش رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار دادند. نتایج یک رابطه مثبت بین تفاوت‌های دفتری مالیات و ریسک کل و ریسک خاص شرکت. همچنین فعالیت سهامداران نهادی در روابط تفاوت‌های دفتری مالیات با ریسک کل شرکت و ریسک خاص نقش تعدیل کننده دارد.

ناتالیا و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۱)، پژوهشی را با عنوان «ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در اندونزی» با استفاده از داده‌های ۷۴ شرکت فهرست شده در بورس اندونزی طی سال ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد، اگر حاکمیت شرکتی به خوبی انجام شده باشد، شرکت‌ها کمتر احتمال دارد که اجتناب مالیاتی انجام دهند. نتایج پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی و حاکمیت شرکتی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارند. به همین ترتیب، حاکمیت شرکتی نمی‌تواند اثر مسئولیت اجتماعی شرکتی را بر اجتناب مالیاتی تعدیل کند.

عبدالوهاب و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۸)، پژوهشی را با عنوان «ناهمگونی تیم مدیریت ارشد، تغییرات حاکمیتی و تفاوت‌های دفتری مالیاتی» با استفاده از ۲,۰۵۶ سال-شرکت نمونه فهرست شده در بورس مالزی طی سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۵ با تحلیل رگرسیون اثرات ثابت مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که روابط معنی‌داری بین تفاوت‌های دفتری مالیات و ناهمگونی در سن، دوره تصدی و تحصیلات و جنسیتی تیم مدیریت وجود دارد. درک عوامل ناهمگونی تیم مدیریت در تفاوت‌های دفتری مالیات روشن می‌کند که چرا برخی از شرکت‌ها سطوح تفاوت‌های دفتری مالیات بالاتری را نشان می‌دهند، و این می‌تواند تصمیمات حاکمیتی آینده توسط هیئت مدیره، تنظیم کننده‌ها، قانون‌گذاران، سهامداران و مشاوران آنها را مطلع سازد.

مارکوئیز و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۷)، پژوهشی را با عنوان «تفاوت‌های دفتری مالیات و ساختار سرمایه» با استفاده از اطلاعات ۱,۰۷۹ مشاهده سال-شرکت طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۵ به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که تفاوت‌های دفتری مالیات بالاتر و در نتیجه انطباق کمتر با مالیات دفتری، نشان‌دهنده کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر است زیرا بدهی کمتر با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر مرتبط است. نتایج نشان داد که اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران تقاضاهای متفاوتی برای کیفیت اطلاعات گزارش شده دارند و حجم سرمایه‌گذاران نسبت به سطح ریسک درک شده توسط آنها مرتبط‌تر است.

۹. Shleifer and Vishny
۱۰. Abdul Wahab et al
۱۱. Abdul Wahab et al
۱۲. Natalia et al
۱۳. Marques et al

گونتر و همکاران ۱۴ (۲۰۱۷)، پژوهشی را با عنوان «اجتناب مالیاتی مرتبط با ریسک شرکت» با استفاده از اطلاعات ۴,۴۵۶ مشاهده سال-شرکت طی سال‌های ۱۹۸۷ الی ۲۰۱۱ به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که نرخ‌های مالیاتی پایین نسبت به نرخ‌های مالیاتی بالا پایدارتر هستند و معیارهای اجتناب مالیاتی که معمولاً در ادبیات استفاده می‌شود، معمولاً با نوسانات نرخ مالیات آتی یا ریسک کلی شرکت در آینده مرتبط نیستند. شواهد نشان داد که به طور متوسط، اجتناب از مالیات شرکت‌ها با استفاده از استراتژی‌هایی انجام می‌شود که پایدار هستند و ریسک شرکت را افزایش نمی‌دهند. همچنین نوسانات نرخ مالیات نقدی با نوسانات سهام آتی مرتبط است، که نشان می‌دهد نوسان نرخ مالیات و ریسک کلی شرکت مرتبط هستند.

اورس و همکاران ۱۵ (۲۰۱۷)، پژوهشی را با عنوان «پیامدهای تفاوت دفتری مالیات: یک متاآنالیز» با استفاده از اطلاعات ۱۰۰ نمونه به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت دفتری مالیات در واقع نشان‌دهنده رفتار گزارش‌دهی فرصت‌طلبانه و حتی بیشتر از مدیریت سود است. با این حال، این نتایج برای مطالعاتی که تفاوت دفتری مالیات را تنها به‌عنوان تفاوت بین مالیات دفتری و درآمد مشمول مالیات تخمینی به‌جای استفاده از معیارهای خاص تفاوت دفتری مالیات تعیین می‌کنند، ضعیف‌تر هستند. علاوه بر این، بررسی تفاوت دفتری مالیات واقعی محاسبه‌شده از اظهارنامه‌های مالیاتی به جای تقریب آن‌ها از صورت‌های مالی، اثرات را به شدت افزایش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که یک ارتباط منفی بین انطباق مالیات دفتری و مدیریت سود / پناهگاه مالیاتی وجود دارد، که به عنوان شاخصی برای انطباق بالاتر تفسیر می‌شود که در واقع در کاهش گزارش‌های تهاجمی مؤثر است.

هوآنگ و چانگ ۱۶ (۲۰۱۶)، پژوهشی را با عنوان «آیا خدمات مالیاتی ارائه شده توسط حسابرس رابطه بین کنترل‌های داخلی مربوط به مالیات و تفاوت‌های دفتری-مالیاتی را بهبود می‌بخشد؟» با استفاده از اطلاعات ۱۹۷ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۱ به روش رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که احتمال بیشتری برای گزارش ضعف با اهمیت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با مالیات دارند، تفاوت‌های دائمی و موقت بیشتری دارند (یعنی درجه بالاتری از اجتناب مالیاتی و فعالیت‌های مدیریت سود). با این حال، شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی ارائه‌شده توسط حسابرس را خریداری می‌کنند، می‌توانند رابطه مثبت بین ضعف‌های کنترل داخلی مرتبط با مالیات و تفاوت‌های دائمی را در دوره پس از سابینزآکسلی کاهش دهند، اما تأثیری بر تفاوت‌های موقت ندارند.

کر و همکاران ۱۷ (۲۰۱۶)، در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی: شواهدی از اصلاح حکمرانی" انجام دادند. نتایج نشان داد که بین قدرت سیستم‌های حاکمیت و فرار مالیاتی رابطه علی وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌هایی با حاکمیت گزارش شده قوی‌تر، از اجتناب از مالیات کمتر استفاده می‌کنند.

هلتزر و شلتون ۱۸ (۲۰۱۵)، پژوهشی را با عنوان «تفاوت‌های دفتری مالیات و ریسک حسابرسی: شواهدی از ایالات متحده» با استفاده از اطلاعات ۳۱۶ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۵ به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که حساب‌برسان، به طور متوسط، تفاوت‌های دفتری مالیات‌های بزرگ را مرتبط با افزایش ریسک حسابرسی می‌دانند.

جیراپورن و همکاران ۱۹ (۲۰۱۵)، پژوهشی را با عنوان «آیا حاکمیت شرکتی بر ریسک‌پذیری شرکت تأثیر می‌گذارد؟ شواهد از خدمات سهامداران نهادی» با استفاده از اطلاعات ۷,۰۱۵ سال-شرکت طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی با حاکمیت مؤثرتر، به طور قابل توجهی ریسک کمتری دارند. مدیران که به حال خودشان رها می‌شوند، تمایل دارند ریسک‌های زیادی را انجام دهند.

۱۴. Guenther et al
۱۵. Evers et al
۱۶. Heltzer and Shelton
17. Kerr et al
۱۸. Huang and Chang
۱۹. Jiraporn et al

عبدالوهاب و هلند ۲۰ (۲۰۱۵)، پژوهشی را با عنوان «تداوم تفاوت‌های دفتری مالیاتی. بررسی حسابداری بریتانیا» با استفاده از اطلاعات ۱۳۳ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۶ تا پایان ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که درجه تداوم به ماهیت تفاوت‌های دفتری مالیاتی بستگی دارد و این تغییر در پایداری، خود بر اساس گروه صنعتی متفاوت است. پایدارترین مؤلفه به تفاوت‌های بین نرخ‌های مالیاتی قانونی بریتانیا و خارج از کشور مربوط می‌شود که تفاوت‌های موقت کمترین پایداری را نشان می‌دهد، که نشان‌دهنده انگیزه مدیریت غیر درآمدی است. در گروه‌های صنعتی تنوع گسترده‌ای در سطح تداوم وجود دارد. در حالی که ۵۹,۴ درصد از شرکت‌های نمونه تنها یک تغییر علامت تفاوت‌های دفتری مالیاتی را در دوره شش ساله تجربه کردند، تراز نمونه حداقل دو تغییر داشت.

جوی ۲۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مالکان نهادی بر جسورانه بودن مالیات» به بررسی تأثیر مالکان نهادی بر جسورانه بودن مالیات طی سال‌های ۱۹۹۳ الی ۲۰۰۸ پرداختند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش تعداد ۱۹۲۱۵ سال-شرکت، مورد استفاده قرار گرفتند و از مدل رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته، مبتنی بر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت طراحی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که شرکت‌های با سطح بالاتر سرمایه‌گذاران نهادی دارای افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، به احتمال بیشتری برنامه‌ریزی مالیاتی جسورانه را به کار می‌برند و تفاوت بیشتری بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات آنها وجود دارد. همچنین، بررسی بیشتر نتایج نشان داد که بین مالکیت نهادی و نرخ موثر مالیاتی نقدی، رابطه منفی وجود دارد.

۲.۳. پژوهش‌های داخلی

معصوم پورسماکوش (۱۴۰۰)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر مولفه‌های حاکمیت شرکتی بر ریسک سیستماتیک در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸، با استفاده از اطلاعات ۸۴ شرکت به روش رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک سیستماتیک شرکت‌ها داشته اما تأثیر درصد اعضای غیرموظف و اندازه هیئت مدیره بر ریسک سیستماتیک منفی و معنادار می‌باشد.

پورغفار و منافی‌سقین‌سرا (۱۳۹۹)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر هیئت مدیره، مالکیت نهادی و شدت سرمایه بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸، با استفاده از اطلاعات ۱۲۶ شرکت مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دانش مالی هیئت مدیره و مالکیت نهادی بر شکاف مالیاتی تأثیر معناداری دارند ولی دوگانگی هیئت مدیره و شدت سرمایه تأثیر معناداری ندارند.

افضل‌نیا (۱۳۹۸)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر انطباق مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی بر فرصت رشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۶، با استفاده از اطلاعات ۱۲۹ شرکت به روش رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن است که انطباق مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی بر فرصت رشد شرکت‌ها تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

عبدالرحیمیان و مقتدری (۱۳۹۷)، پژوهشی را با عنوان «تأثیر ریسک سیستماتیک و ساختار مالکیت بر نرخ رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵، با استفاده از اطلاعات ۶۲۴ شرکت به روش رگرسیون چمبنتی بر داده‌های ترکیبی با داده‌های تلفیقی و اثرات ثابت مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین ریسک سیستماتیک و نرخ رشد سرمایه‌گذاری شرکت رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. همچنین بین مالکیت سهامداران نهادی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. در نهایت بین ریسک سیستماتیک ناشی از نسبت رشد مالکیت سهامداران نهادی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

پورغلام‌سروندانی (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه انطباق مالیات ابرازی و قطعی با مربوط بودن ارزش سود مشمول مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳، به روش رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار

داد. نتایج نشان داد که تفاوت‌های معناداری بین سود حسابداری و مالیاتی وجود دارد. همچنین شواهد از عدم وجود رابطه معنادار بین سود مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری پشتیبانی می‌کند.

ملکیان و فرزاد (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان «تأثیر حسابرسی مالیاتی بر رابطه بین مالیات ابرازی، تشخیصی و قطعی: مطالعه موردی استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و شرق و جنوب تهران» مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری پژوهش شامل مودیانی از اشخاص حقوقی اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان غربی، شرقی، شرق و جنوب تهران است که طی ۳ سال متوالی، مالیات خود را به حوزه مالیاتی ابراز کرده‌اند و جامعه آماری پژوهش شامل ۳۴۴۳ پرونده اشخاص حقوقی در بازه زمانی مربوطه است. اطلاعات مورد نیاز از روش اسناد کاوی (اطلاعات واقعی پرونده‌های مالیاتی) به دست آمده است. نتایج نشان داد که اجرای حسابرسی مالیاتی تأثیری بر رابطه بین مالیات ابرازی و تشخیصی و همچنین رابطه بین مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که حسابرسی مالیاتی شده‌اند ندارد.

عنایتی (۱۳۹۴)، پژوهشی را با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد تفاوت درآمد مشمول مالیات ابرازی و تشخیصی اشخاص حقوقی» طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری اشخاص حقوقی می‌باشند که در مهلت مقرر اظهار نامه مالیاتی به اداره امور مالیاتی سندج تسلیم نموده و نسبت به ارائه دفاتر و مدارک اقدام کرده‌اند و درآمد مشمول مالیات آنها از طریق رسیدگی به دفاتر و اجرای مقررات بند ۲ یا ۳ ماده ۹۷ ق. م. ح. م. رسیدگی و تشخیص گردیده است. نتایج نشان داد که رسیدگی بین درآمد مشمول مالیاتی ابرازی مودیان و درآمد مشمول مالیات تشخیصی آنان تفاوت معناداری وجود دارد و مغایرت بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی، عدم رعایت آیین نامه تحریر دفاتر، عدم کفایت اسناد و مدارک ارائه شده توسط مودی در اثبات هزینه‌های صورت گرفته همگی در ایجاد این تفاوت نقش دارند.

ابوذری و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی را با عنوان «ارتباط بین ریسک سیستماتیک و مالیات بر درآمد شرکت‌ها (مطالعه موردی بورس اوراق بهادار تهران)» طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ با استفاده از اطلاعات ۲۸۳ شرکت، به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد رابطه مشخص بین ریسک سیستماتیک با مالیات پرداختی وجود ندارد. به طوری که از ۲۸۳ شرکت مورد بررسی، ضریب ریسک سیستماتیک برای ۹۳ شرکت معنادار شده است. تأثیر ریسک سیستماتیک در این شرکت‌ها نیز متفاوت است، به طوری که در بعضی از شرکت‌ها تأثیر مثبت و در بعضی دیگر تأثیر منفی بر نسبت مالیات پرداختی به سرمایه اسمی شرکت‌ها داشته است. همچنین نسبت‌های سود قبل از مالیات به سرمایه اسمی شرکت و سود انباشته ابتدای دوره به سرمایه اسمی شرکت، رابطه مثبت و معناداری با نسبت مالیات به سرمایه اسمی شرکت داشته و ضریب تأثیر نسبت سود قبل از مالیات به سرمایه اسمی شرکت بزرگتر از نسبت سود انباشته ابتدای دوره به سرمایه اسمی شرکت است.

محمدزاده و گرکز (۱۳۹۳)، پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه معیارهای راهبری شرکتی و تغییرات درآمد مشمول مالیات ابرازی و قطعی شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ با استفاده از اطلاعات ۷۷ شرکت، به روش رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین اعضای غیرموظف هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره با تغییرات درآمد مشمول مالیات ابرازی و قطعی شده در شرکت وجود دارد. اما بین جدا بودن مدیرعامل و رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره و درصد سهامداران نهادی با تغییرات درآمد مشمول مالیات ابرازی و قطعی شده رابطه معناداری وجود ندارد.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۱)، پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۷ با استفاده از اطلاعات ۶۴ شرکت، به روش رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که از بین ویژگی‌های شرکت، اندازه، فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با این وجود، بین میزان اهرم مالی و عمر شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج نشان داد که نوع صنعت نیز تأثیر معناداری بر روی اختلاف مذکور دارد و میزان اختلاف مالیات ابرازی و قطعی در صنایع مختلف متفاوت است. افزون بر این، یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مالکیت نهادی تأثیر معناداری بر روی اختلاف مالیات ابرازی و قطعی ندارد و بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری مشاهده نشد.

با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر می‌تواند بر ای گروه کثیری از استفاده‌کنندگان، شامل تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، مسئولان بورس اوراق بهادار، سهامداران و محققان مفید واقع شود، پژوهشی کاربردی به شمار می‌رود؛ ضمن آنکه پژوهش مذکور توصیفی از نوع همبستگی است و روش نمونه‌گیری مبتنی بر حذف سیستماتیک می‌باشد. در این پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی با رویکرد تابلویی به منظور پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تعداد ۱۴۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

جامعه پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ تشکیل می‌دهد که بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱- به‌منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
- ۲- در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.
- ۳- کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.
- ۴- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و لیزینگ و شرکت‌های بیمه) نباشد.
- ۵- سهام آن‌ها در بازار بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت تاثیر مثبت دارد.
- ۲- سهامدارن نهادی، تاثیر تفاوت‌های دفتری مالیات، بر ریسک شرکت را کاهش می‌دهد.

۶. متغیرهای پژوهش

۱.۶. متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر ریسک کل شرکت است. به استناد پژوهش عبدالوهاب و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۲) و طهماسبی‌خورنه و سهیلی (۱۳۹۴)، ریسک کل شدت تغییرات بازده سهام در دوره‌های گذشته است که برابر با انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام برای سه سال گذشته.

۲.۶. متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر تفاوت‌های دفتری مالیات است. به استناد پژوهش هانکن^{۲۳} (۲۰۱۸)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۴)، تفاوت در درآمد مشمول مالیات ابرازی توسط شرکت‌ها و درآمد مشمول مالیات تشخیصی سازمان مالیاتی به عنوان تفاوت‌های دفتری مالیات در نظر گرفته می‌شود. باید به این نکته اشاره کرد که سود حسابداری همان سود قبل از کسر مالیات می‌باشد و سود مشمول مالیات پیرو پژوهش هانکن (۲۰۱۸) به شرح رابطه (۱)، محاسبه می‌شود.

رابطه (۱)

$$TI = \frac{ITE}{CTR}$$

که در رابطه فوق داریم:

^{۲۲}. Abdul Wahab et al

^{۲۳}. Hanken

TI: سود مشمول مالیات؛ ITE: مالیات پرداختی شرکت؛ CTR: نرخ قانونی مالیات (۲۵٪).

۳,۶. متغیر تعدیلگر

متغیر تعدیل کننده پژوهش حاضر سهامدارن نهادی است. به استناد پژوهش‌های چونگ و ژانگ^{۲۴} (۲۰۱۱) و نجفی‌مقدم (۱۳۹۶)، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند که حداقل ۵ درصد از سهام شرکت را در اختیار داشته باشند.

۴,۶. متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش حاضر بازده دارایی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، سود تقسیمی و اهرم مالی می‌باشد که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

بازده دارایی (ROA): نسبت خالص درآمد به ارزش دفتری کل دارایی

ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (برای محاسبه ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، تعداد سهام شرکت در قیمت سهام پایان دوره ضرب می‌شود).

سود تقسیمی (DIV): نسبت سود سهام پرداختی به ارزش دفتری جمع دارایی‌های

اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی به ارزش دفتری جمع دارایی‌های

۵,۶. مدل پژوهش

به استناد پژوهش عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۲)، برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به شرح رابطه شماره (۲) استفاده می‌شود.

رابطه (۲)

$$FRISK_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BTD_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 MTB_{i,t} + \beta_4 DIVE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \varepsilon$$

که در رابطه فوق داریم:

$FRISK_{i,t}$: ریسک شرکت i در سال t ; $BTD_{i,t}$: تفاوت‌های دفتری مالیات شرکت i در سال t ; $ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t ; $MTB_{i,t}$: ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t ; $DIV_{i,t}$: سود تقسیمی شرکت i در سال t ; $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t ; چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت باشد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

به استناد پژوهش عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۲)، برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به شرح رابطه (۳) استفاده می‌شود.

رابطه (۳)

$$FRISK_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BTD_{i,t} + \beta_2 INST + \beta_3 BTD * INST + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 DIVE_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \varepsilon$$

$INST_{i,t}$: سهامداران نهادی شرکت i در سال t .

چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) منفی باشد، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود.

۷. یافته‌های پژوهش

۱.۷. آمار توصیفی

در جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین ریسک کل شرکت برابر با ۰/۱۷۵ می‌باشد. میانگین نشان‌دهنده این است که نیمی از داده‌ها کمتر از عدد میانگین و نیمی بیشتر از عدد میانگین هستند. میانگین متغیر سهامداران نهادی برابر با ۰/۷۴۱ است. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. در طی قلمرو زمانی پژوهش بیشترین مقدار متغیر تفاوت‌های دفتری مالیات برابر با ۱/۱۳۴ بوده و کمترین مقدار این متغیر برابر با ۱/۰۶۲ می‌باشد. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر برابر با ۱/۶۰۷ و ۰/۱۹۲ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای اندازه شرکت و سهامداران نهادی می‌باشد. از آن‌جا که پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می‌دهد، اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. ضریب چولگی متغیر مستقل نرخ رشد فروش مثبت و برابر با ۳/۷۲۷ می‌باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
ریسک کل شرکت	FRISK	۰/۱۷۵	۰/۱۷۳	۰/۴۰۸	۰/۰۲۱	۰/۰۶۶	۰/۵۱۷
تفاوت‌های دفتری مالیات	BTD	۰/۰۸۹	۰/۴۱۱	۱/۱۳۴	۱/۰۶۲	۰/۱۵۶	۱/۱۹۲
سهامداران نهادی	INST	۰/۶۹۷	۰/۷۴۱	۰/۹۹۵	۰/۰۵۹	۰/۱۹۲	-۰/۹۲۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۵/۲۳	۱۴/۹۲	۲۱/۳۲	۱۱/۷۶	۱/۶۰۷	۰/۹۶۳
نرخ رشد فروش	SG	۰/۴۶۶	۰/۳۹۴	۶/۵۵۵	۰/۸۴۵	۰/۵۴۸	۳/۷۲۷
اهرم مالی	LEV	۰/۵۴۵	۰/۵۳۹	۱/۸۲۴	۰/۰۳۱	۰/۲۱۲	۰/۴۴۳

۲.۷. تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

۱.۲.۷. آزمون ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌ها

یکی از فرض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) این است که تمامی جملات پسماند دارای واریانس برابر هستند، برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون بروش پاگان گادفری استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌ها

مدل	فرض کلاسیک	نام آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	نتیجه
اول	همسانی واریانس	بروش پاگان گادفری	۰/۰۰۰۳	۵/۲۵۶	ناهمسانی واریانس GLS
دوم	همسانی واریانس	بروش پاگان گادفری	۰/۰۰۶۷	۲/۹۹۶	ناهمسانی واریانس GLS

نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می دهد که سطح معناداری محاسبه شده در آزمون بروش پاگان گادفری برای مدل های کمتر از سطح خطای ۵ درصد می باشد. از این رو H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس ها رد می شود که نشان می دهد همسانی واریانس وجود ندارد و روش تخمین مدل های مورد بررسی به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) می باشد.

۲.۲.۷. آزمون تعیین نوع داده های ترکیبی

در این پژوهش از داده های ترکیبی و برای تعیین نوع داده های ترکیبی از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) برای مدل های پژوهش نشان داده شده است. برای تخمین این مدل ها، روش به کارگیری داده ها تلفیقی یا تابلویی است. با توجه به اینکه مقادیر سطح معناداری برای آزمون اف لیمر در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شده و برای آزمون فرضیه ها از روش داده های تابلویی استفاده شده است. همچنین مقادیر سطح معناداری هاسمن محاسبه شده برای مدل های پژوهش نیز کمتر از ۵ درصد است لذا فرض صفر در این مدل رد شده و از روش اثرات ثابت برای برازش مدل ها استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون تعیین نوع داده های ترکیبی

نوع داده	هاسمن		تشخیص	F لیمر		
	سطح معنی داری	آماره		سطح معنی داری	آماره	مدل
اثرات ثابت	۰/۰۰۰۰	۳۸۱/۲۰	تابلویی	۰/۰۰۰۰	۷/۲۶۳	اول
اثرات ثابت	۰/۰۰۰۰	۳۴۹/۲۵	تابلویی	۰/۰۰۰۰	۷/۲۳۴	دوم

۳.۷. نتایج آزمون مدل های پژوهش

پس از انجام آزمون های آماری لازم، به منظور تعیین به کارگیری داده ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل های پژوهش در ادامه ارائه می گردد.

۱.۳.۷. نتایج حاصل از آزمون مدل اول پژوهش

در تحلیل نتایج ابتدا به بررسی معناداری مدل و میزان بیان کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی پرداخته شده و در ادامه قبل از ارائه نتایج اصلی، به بیان درستنمایی مدل پژوهش پرداخته می شود.

همان طور که در جدول (۴)، مشاهده می شود؛ سطح معناداری اف در مدل برابر با ۰/۰۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این مدل معنادار بوده؛ به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۸۰ درصد است، این ضریب بیان گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۸۰ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می باشند. یکی از آزمون های کفایت و درستی مدل بررسی عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است. خودهمبستگی سبب می شود مقادیر تی در مدل بیش از حد بزرگ گردد و در نتیجه ضرایب به اشتباه

معنی‌دار شده که سبب تفسیر نادرست ضرایب و احتمال رخ دادن خطای نوع دوم می‌گردد. برای بررسی نبود خودهمبستگی از مقادیر آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود. در مدل اول پژوهش، مقدار سطح معناداری آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۶۱ است که حاکی از نبود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

جدول (۴): نتایج آزمون مدل اول

$FRISK_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BTD_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 SG_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \varepsilon$				
نام متغیر	نماد	ضریب بتا	سطح معناداری	نتیجه‌گیری
تفاوت‌های دفتری مالیات	BTD	۰/۰۰۲	۰/۰۲۲۹	تاثیر مثبت و معنادار
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۴۸	۰/۰۰۰۰	تاثیر مثبت و معنادار
نرخ رشد فروش	SG	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰۰	تاثیر مثبت و معنادار
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۹	۰/۳۸۹۲	نداشتن تاثیر معنادار
عرض از مبدا	β_0	-۰/۵۶۶	۰/۰۰۰۰	-
آماره اف فیششر		۲۵/۴۲۸	آزمون دوربین واتسون	۱/۶۱
سطح معناداری اف فیششر		۰/۰۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۰

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر تفاوت‌های دفتری مالیات برابر است با ۰/۰۲۲۹ که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد. همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر است با ۰/۰۰۲ که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده متغیر تفاوت‌های دفتری مالیات، می‌توان گفت تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت تاثیر مثبت دارد و براساس این نتایج، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌گردد.

۲.۳.۷. نتایج حاصل از آزمون مدل دوم پژوهش

همان‌طور که در جدول (۵)، مشاهده می‌شود؛ سطح معناداری اف در مدل برابر با ۰/۰۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این مدل معنادار بوده؛ به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۸۲ درصد است، این ضریب بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۸۲ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند. برای بررسی نبود خودهمبستگی از مقادیر آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود. در مدل دوم پژوهش، مقدار سطح معناداری آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۶۴ است که حاکی از نبود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل دوم

$FRISK_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BTD_{i,t} + \beta_2 INST_{i,t} + \beta_3 BTD_{i,t} * INST_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 SG_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon$				
نام متغیر	نماد	ضریب بتا	سطح معناداری	نتیجه‌گیری
تفاوت دفتری مالیات	BTD	۰/۰۲۸	۰/۰۳۲۸	تاثیر مثبت و معنادار
سهامداران نهادی	INST	-۰/۱۱۸	۰/۰۰۰۰	تاثیر منفی و معنادار
اثر تعاملی تفاوت‌های دفتری مالیات و سهامداران نهادی	BTD*INST	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۳۳	تاثیر منفی و معنادار
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰۰	تاثیر مثبت و معنادار
نرخ رشد فروش	SG	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۰	تاثیر مثبت و معنادار

نداشتن تاثیر معنادار	۰/۹۷۱۴	۰/۰۰۰۳	LEV	اهرم مالی
-	۰/۰۰۰۰	-۰/۴۴۲	β_0	عرض از مبدا
۱/۶۴	آزمون دوربین واتسون	۲۹/۳۹۷		آماره اف فیشر
۰/۸۲	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۰۰		سطح معناداری اف فیشر

همان طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی تفاوت‌های دفتری مالیات و سهامداران نهادی برابر است با ۰/۰۱۳۳ که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد. همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر است با ۰/۰۲۸- که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری و ضریب برآورد شده متغیر اثر تعاملی تفاوت‌های دفتری مالیات و سهامداران نهادی، می‌توان گفت سهامداران نهادی، شدت اثرگذاری تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت را کاهش می‌دهند و بر اساس این نتایج، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌گردد.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان داد که تفاوت‌های دفتری مالیات بر ریسک شرکت تاثیر معناداری دارد و این رابطه به صورت مثبت و معنادار می‌باشد. در توضیح برنامه‌ریزی مالیاتی، تفاوت‌های دفتری مالیات پرخاشگری شرکت‌ها در گزارش‌دهی را برجسته می‌کند و از این‌رو، نکاتی در مورد عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و نمایندگان شرکت‌های دولتی ارائه می‌کند تفاوت‌های دفتری مالیات بزرگ‌تر همچنین می‌تواند ریسک شرکت را از طریق نشانه‌هایی از ریسک شهرت به دنبال احتمال به چالش کشیدن شرکت توسط مقامات مالیاتی و اتکای شدید به سرمایه‌گذاری‌های مشمول مالیات افزایش دهد. به طور مشابه، در زمینه کیفیت سود، تفاوت‌های دفتری مالیات می‌تواند ریسک شرکت را افزایش دهد، زیرا تفاوت‌های دفتری مالیات بزرگ با مدیریت سود همراه است و در نتیجه بر عدم اطمینان بیشتر در مورد بازده سهامداران دلالت می‌کند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش‌های عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۲)، گونتر و همکاران (۲۰۱۷)، اورس و همکاران (۲۰۱۷) و مغایر با پژوهش ابوذری و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سهامداران و مالکان با استقرار مکانیزم‌های قوی حاکمیتی، از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در جهت فرار مالیاتی و کاهش ریسک شرکت، اقدام نمایند.

نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان داد که سهامداران نهادی، تاثیر تفاوت‌های دفتری مالیات، بر ریسک شرکت را کاهش می‌دهد سهامداران نهادی همچنین ترجیح می‌دهند از صدای خود به عنوان جایگزینی برای ایفای نقش نظارتی خود در شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف با مشارکت فعال در بحث‌های پشت صحنه با تیم مدیریت ارشد و هیئت مدیره استفاده کنند. بنابراین، در شرایط خاص شرکت، از سهامداران نهادی انتظار می‌رود که ادراک سهامداران را در مورد تفاوت‌های دفتری مالیات بهبود بخشند، بنابراین، قدرت رابطه بین تفاوت‌های دفتری مالیات و ریسک کل شرکت را کاهش دهند. این در راستای این استدلال است که سهامداران نهادی می‌توانند به کنترل نوسان قیمت سهام کمک کنند. بر اساس تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و نمایندگان، فعالیت سهامداران را به عنوان مکانیزمی برای افزایش اعتماد سهامداران تضمین می‌کند. این به دنبال این تصور است که سهامداران نهادی سرمایه‌گذاران پیچیده‌ای هستند و کمتر در معرض فشار قرار می‌گیرند، که می‌تواند ریسک کل شرکت را در یک بازار خاص کاهش دهد. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش‌های عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۲)، وانگ (۲۰۱۸) و جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش، به قانونگذاران توصیه می‌شود با تنظیم مقررات قوی‌تر در ارتباط با حاکمیت شرکتی و فعالیت سهامداران فعال که نقش محافظت منافع سهامداران را بر عهده دارند، از نقش حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک راه حل برای مسئله نمایندگی، به خصوص در امور مالیاتی بهره ببرند.

- ابوذری، ایوب، شهیکی تاش، محمدنبی، طالبلو، رضا. (۱۳۹۳). ارتباط بین ریسک سیستماتیک و مالیات بر درآمد شرکت‌ها (مطالعه موردی بورس اوراق بهادار تهران). فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴ (۵۴)، ۱۰۱-۱۳۲.
- اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). ارتباط مؤلفه های ساختار مالکیت با سیاست‌های جسورانه مالیاتی و نقش تعدیلگر عملکرد مالی شرکت‌ها. پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی، ۲۶ (۱۷)، ۲۴۳-۲۶۵.
- افضل‌نیا، سیدحسن. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر انطباق مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی بر فرصت رشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۲ (۱۱)، ۱۸-۲۹.
- امیری‌سیاوشانی، امیر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ریسک‌پذیری، بیش‌اعتمادی مدیریت و ارزش شرکت (شواهد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشکده ارشد دماوند.
- بیگدلی، فریبا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه شکاف مالیاتی و ریسک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه.
- پورحیدری، امید، سروستانی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۰ (۱۴)، ۶۱-۷۸.
- پورغلام‌سروندانی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه انطباق مالیات ابرازی و قطعی با مربوط بودن ارزش سود مشمول مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی قدیر لنگرود.
- پورغفار، جواد، منافی‌سقین‌سرا، ربابه. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر هیئت مدیره، مالکیت نهادی و شدت سرمایه بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه رهیافتی در مدیریت بازرگانی، ۱ (۲).
- حیدری، مهدی، قادری، بهمن، کفعمی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی در تقلیل هزینه‌های نمایندگی: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۸ (۲): ۱۰۱-۱۲۴.
- خوشبخت، محمود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک، سطح ریسک و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز.
- دارابی، رویا، امام‌جمعه، سیمین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر صحت پیش‌بینی سود. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳ (۱۰)، ۷۲-۵۵.
- رحمانی، علی، ملانظری، مهناز، اربابی‌بهار، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات. پژوهشنامه مالیات، ۲۳ (۲۵)، ۷۱-۸۹.
- رضایی، فرزین، عیدان ترک زاده، خدیجه، نصیری، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر نسبت تقسیم سود شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴ (۱۳)، ۱۱۳-۱۳۳.
- سعادت‌جوی‌اردکلو، مهدی، رحیمی، مهدی‌علی. (۱۳۹۳). مدیریت ریسک و کاربرد آن در بازار سرمایه با استفاده از مدل ریسک سنجی ارزش در معرض خطر (Value at Risk). نشریه مدیریت صنعتی، ۹ (۲۸)، ۶۰-۷۲.
- صامتی، مجید، محمدی، وحید، مظفری‌شمسی، هاجر، اسعدی، فریدون. (۱۳۹۸). بررسی رابطه پویای ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی، مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۸ (۳۲)، ۱۹۳-۱۶۱.
- طهماسبی‌خورنه، سعید، سهیلی، کیومرث. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شهرت شرکتی بر ریسک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. توسعه مدیریت پولی و بانکی، ۳ (۸)، ۱۳۱-۱۵۰.
- عبدالرحیمیان، محمدحسین، مقتدری، رویا. (۱۳۹۷). تأثیر ریسک سیستماتیک و ساختار مالکیت بر نرخ رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مشهد.

عنایتی، جعفر. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد تفاوت درآمد مشمول مالیات ابرازی و تشخیصی اشخاص حقوقی. همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، (۴)، ۱۱۵۲-۱۱۰۹.

فخاری، حسین. کاشانی‌پور، محمد، رجب‌بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۳). بررسی نقش نظارتی ساختار مالکیت و خط مشی بدهی بر کنترل مشکلات نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری و حسابرسی، (۱) ۶، صص ۹۰-۶۳.

قادر، بهمن، کفعمی، مهدی، کریمی‌حصاری، فرشاد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر شکاف مالیاتی. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، (۲) ۱، ۱-۱۶.

قنبریان، بابک. (۱۳۹۶). مطالعه رابطه بین تفاوت مالیات دفتری و ورشکستگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، (۳۶)، ۶۲-۷۵.

کاظمی‌منش، آذین، دستگیر، محسن. (۱۳۹۹). تأثیر ارزش شرکت و سودآوری بر ریسک بازده سهام با تأکید بر سرمایه در گردش. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، (۲۴) ۳، ۱-۲۱.

مصلی، مهسا، مقدم، فرزاد. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اهرم مالی بر ریسک و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، (۲۹) ۴، ۳۲-۴۲.

معصوم‌پورسماکوش، میثم. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مولفه‌های حاکمیت شرکتی بر ریسک سیستماتیک در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی علامه امینی.

ملکیان، اسفندیار، فرزاد، سروه. (۱۳۹۶). تأثیر حسابداری مالیاتی بر رابطه بین مالیات ابرازی، تشخیصی و قطعی: مطالعه موردی استان-های آذربایجان شرقی، غربی و شرق و جنوب تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۳۳) ۹، ۵۱-۶۴.

ملکیان، اسفندیار، سلمانی، رسول، شهسوار، معصومه. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، (۱۷) ۵، ۷۴-۵۵.

ملکیان، اسفندیار، شایسته‌مند، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تبیین تأثیر سازوکارهای مدیریتی راهبردی شرکتی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی، (۲۸) ۷، ۱۰۵-۱۲۶.

مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، (۱۰) ۳، ۱۳-۳۳.

نجفی‌مقدم، علی. (۱۳۹۶). هم‌زمانی قیمت سهام و نقش سرمایه‌گذاران نهادی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، (۲۳) ۶، ۷۱-۸۴.

Abdul Wahab, N. S. Ntim, C. G. Tye, W. L. Shakil, M. H. (2022). Book-tax differences and risk: Does shareholder activism matter? *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 48, 100484.

Abdul Wahab, N. S., & Holland, K. (2015). The persistence of book-tax differences. *British Accounting Review*, 47(4), 339-350. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2014.06.002>.

Annual Meeting of the National Tax Association (Vol. 109, pp. 1-50). National Tax Association.

Armstrong, C., Blouin, J. & Larcker, D. (2012). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 391-411.

Evers, M. T. Meier, I. Nicolay, K. (2017). The Implications of Book-Tax Differences: A Meta-Analysis. *ZEW Discussion Papers*, No. 17-003,

- Chung, K.H. and Zhang, H. (۲۰۱۱). Corporate governance and institutional ownership. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 46 (01): 247-273.
- Guenther, David A.; Matsunaga, Steven R.; Williams, Brian M. (2017). Is Tax Avoidance Related to Firm Risk? *The Accounting Review*, 92(1), 115–136.
- Hanken. A. (2018). Adoption of tax and diagnostic taxes on profit management. *Journal of Accounting and Economics*. 50(1), 2–19.
- Heltzer, W. Shelton, W. S. (2015). Book-Tax Differences and Audit Risk: Evidence from the United States (December 15, 2015). *Journal of Accounting, Ethics and Public Policy*, Vol. 16, No. 4, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2732191>.
- Jensen, M.C. (1986). Agency costs of the free cash flow, corporate finance and takeovers. *American economic review*, vol. 76, 9-323.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X).
- Jiraporn, P. C. Pattanaporn; T. Shenghui, K. Young S. (2015). Does corporate governance influence corporate risk-taking? Evidence from the Institutional Shareholders Services (ISS). *Finance Research Letters*, 13, 105–112.
- Joy, E. (۲۰۱۲). The Influence of Institutional Investment on Tax Aggressiveness. *SSRN Electronic Journal*.
- Kerr, J. N., Price, R., & Román, F. J. (2016, January). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance. In *Proceedings. Annual Conference on Taxation and Minutes of the Markowitz, H. M. (1952). Portfolio Selection. Journal of Finance*, 7 (1), PP. 77-91.
- Marques, M. T., Nakao, S. H., & Costa, P. de S. (2017). Book-tax differences and capital structure. *Revista de Administração Mackenzie*, 18(6), 177-200. doi 10.1590/1678-69712017/Administracao.v18n6p177-200.
- Najjar, B. and Taylor P. (2008). The Relationship between Capital Structure and Ownership. *Managerial finance*, vol.12, pp.919-933
- Natalia, Maria., Verani Carolina, Joni Joni (2021) Relationship Between Corporate Social Responsibility Disclosure, Corporate Governance, And Tax Avoidance, *KINERJA*, 25(1):79-90.
- Nguyen, P. (2011). Corporate governance and risk-taking: Evidence from Japanese firms. *Pacific-Basin Finance Journal*, 19: 278-297.
- Shleifer, A., and Vishny, R. W. (1997). A Survey of Corporate Governance. *Journal of Finance*, Vol ۵۲, pp ۲, pp ۷۳۷-۷۸۳.
- Wright, P., Cheng, W. Awasthi, V. (1996). Impact of Corporate Insider, Block Holder, and Institutional Equity Ownership on Firm Risk-Taking. *Academy of Management Journal*, Vol. ۳۹, pp. ۲, pp. ۴۴۱-۴۶۳.

The impact of book tax differences on company risk according to the moderating role of institutional shareholders

Abstract

Tax is one of the strongest economic tools and the main driving element of countries' economy and means of financing their expenses and in some cases it is one of the governmental and political levers. In this regard, the government, as one of the key stakeholders of companies, relies on the tax returns of taxpayers to determine taxes. Despite the government's reliance on taxpayers' declarations, often the declared tax is not the same as the assessed tax and there is a difference between the two amounts, which is called the tax gap. The difference between the principles and rules governing accounting and financial and tax reporting causes this difference between declared tax and diagnostic tax, so the purpose of this research is to investigate the effect of book tax differences on company risk with regard to the moderating role of institutional shareholders. In order to achieve this goal, two hypotheses were developed. To test the hypotheses using the systematic elimination method; A sample of 147 companies was selected from the companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2016 to 2021 and a regression model based on composite data was used by panel data method and also Eviews 10 was used for statistical analysis. The results show that book tax differences have a positive and significant effect on company risk. Also, institutional shareholders reduce the impact of book tax differences on the company's risk.

Keywords: Company Risk, Book Tax Differences, Institutional Shareholders .